

چخوف خوانی در سالن سوره

نسل فردا: نمایشنامه خوانی شش اثر از آنتوان چخوف به کارگردانی رادمهر کشانی، تا ۲۴ آذرماه در سالن سوره اجرا می شود. کارگردان این نمایشنامه خوانی در گفت و گو با ایمناف گفت: گروه تئاتر پژوهش مهر با سابقه دوده های خود در طول سال ژانرهای مختلفی از نمایش را روی صحنه می آورد. رادمهر کشانی تصریح کرد: این بار برای نخستین بار با همکاری خانه تئاتر تهریز هنری اصفهان تصمیم گرفته شده که شش اثر آنتوان

چخوف توسط یک گروه در پنج روز متوالی به اجرا دربیاید. وی افزود: آنتوان چخوف با قصه هایی ساده و با زبان مردم عامه نمایشنامه هایی نگاشته است که دارای داستان زبرین و با درون مایه اجتماعی است. نام نمایش، روز و ساعت اجرای آن ها به این شرح است: «جشن سالگرد»، ۲۲ آذرماه، ساعت ۱۹:۳۰، «آواز قو»، ۲۳ آذرماه، ساعت ۱۹:۳۰، «تراژدین اجباری»، «مادموازل زولی»، ۲۴ آذرماه، ساعت ۱۹:۳۰.

بزرگداشت استاد پیشکسوت نی در تخت فولاد

مراسم بزرگداشت استاد حسین یآوری از نی نوازان پیشکسوت ایران در تخت فولاد برگزار شد. به گزارش ایمناف، استاد حسین یآوری از پیشکسوتان نی نواز ایران است که مزار وی در تکیه خواجهی تخت فولاد اصفهان قرار دارد. حسین احمدیان معروف به حسین یآوری، در محله پاقعه اصفهان به سال ۱۲۸۵ شمسی متولد شد و در جوانی به موسیقی علاقه مند شد و به نواختن نی پرداخت و از محضر استاد موسیقی نایب اسدالله، هنرمند برجسته موسیقی استفاده کرد. استاد یآوری

در برنامه های هنری با نواختن نی، هنرمندانی چون استاد جلال تاج اصفهانی را همراهی می کرد. وی استعداد عجیب و شگفت انگیزی در موسیقی داشت. شهرت او پس از مرگ استاد نوایی در اصفهان به اوج رسید؛ چنان که به خواهش استاد ابوالحسن صبا به تهران رفت و در اولین روزهای افتتاح رادیو در سال ۱۳۲۰ برنامه های بسیار جالبی به شنوندگان رادیو عرضه کرد. یآوری در سال های دهه ۱۳۲۰ همکاران رادیو تهران و رادیو ایران بود و با رادیو اصفهان نیز همکاری داشت.

درباره «پیمان هوشمندزاده» که این روزها میهمان کانون عکس اصفهان است؛

عکاسی، ابزار قدرتمند برای تفکر و روانکاوی

سیامک تراکمه زاده
گروه اصفهان



پیمان هوشمندزاده چهره ای دوگانه دارد. اشتباه نکنید. منظور شخصیت درونی اش یسا چهره اجتماعی اش نیست. کاملاً چهره فیزیکی اش را می گویم. صورتش را، رخش را، وقتی محاسنش را می گذارد بلند شود یک چهره پیدا می کند و وقتی آن ها را کوتاه می کند یک چهره دیگر. اولی باسنی بالاتر، پخته تر، ساکت تر. دومی جوان تر، شیطان تر و پریهاوتر. به نظر من چهره اولی همان کبکشی است که عکاسی می کند. آرام و باوقار دوربینی را برمی دارد و سوار اتوبوس واحد می شود و می رود پایین. پایین تر و پایین تر. خیلی ساکت و آرام وارد قهوه خانه می شود تا چایی بنوشد و کمی موسیقی زنده گوش کند از عاشیق های آذری. نیازی نیست که حتما بروی تالار وحدت کنسرت خوب ببینی آن هم اگر ببینی. قهوه خانه های آذری پر است از موسیقی. صدای مردم و قلیان هایشان در موسیقی می پیچد و در دود سیگار و قلیان ها گم می شود و او هم همین طور آرام مثل روحی ناپیدا در میان دودها و صداها آرام شاتر می زند. عکس می گیرد. انگار کسی نمی بیندش؛ آن هم در جایی که همه فضول کار همدیگرند. از ته و توی زندگی همه خبر دارند؛ حتی می مانند سه کوزه آن طرف تر در خانه همسایه دوستشان که مهمان داشت چه صحبت هایی ردوبدل شد. ولی حالا اینجا در میان این دود و آواز کسی او را

تفکر کردن است. برای روانکاوی، برای یاد گرفتن، برای راه پیدا کردن به همان جایی که یک صدسال پیش فروید و دار و دسته اروپایی اش نتوانستند به راحتی راه به آنجا ببرند. ضمیر ناخودآگاه و حالا پیمان با دوربینش ما را به سفر می برد تا نشانمان دهد: نه تهران را که آدم های تهران، همان هایی که تهران را ساخته اند. به نظر من هر عکاس مستندی یک روان شناس است و هر عکاس مستند خوبی یک روان شناس خوب و پیمان هوشمندزاده با محاسن بلندش عکاس مستند خوبی است. برای همین هم وقتی به قول خودش چند ماهی از تهران دور می شود و پیناچار باید چند ماهی را در میان گریه ها در آن سوسوی آبها زندگی کند، در جایی که نه خبری از تهران است و تهرانی، تنها کسی را که پیدا می کند، خودش است. خودش. یک تهرانی معلق در اروپا و شروع می کند عکاسی کردن از خودش و چقدر خوب این نتیجه ای، این غربت، این اوزبان و معلق بودن در زمین و هوا را نشان می دهد؛ در جایی که زیر پایش نفت نیست. حتی زمانی که در سال ها قبل ترش در تهران در یک بازیگوشی شروع می کند به عوض کردن جای آدم ها در تهران؛ آن هنگام که سعی می کند آدم ها را از یک طبقه اجتماعی به طبقه دیگر ببرد و عکسی از آن ها بگیرد باز هم این معلق بودن را احساس نمی کنی. شاید به این دلیل که حتی اگر طبقه آن آدم عوض شود مثل سربازی که بر مسند یک سرمایه دار تکیه می زند، ولی اینجا باز هم تهران است. همان شهر. همان هوا. حتی خود عکاس.

پیمان هوشمندزاده را من باور نمی کنم همان عکاس صبح در میدان گمرک یا عکاس غروب در کافه شوکا نوشته باشد. داستان های شبانه اش، طنزش، شور و هیجان داستان ها و کلماتش از کس دیگری است. از جوانی است که اگر وقت داشت شهر آتش می سوزاند و قیامت می کرد و حالا این کار را در کتاب هایش می کند. بازی می کند، خاطره مرور می کند، گریه بازی می کند و گاهی عکاسی می کند. هوشمندزاده جوان تر، راوی خوبی هم می کند.



نشست شورای فرهنگی دینی آیفآ با حضور دبیر ستاد اقامه نماز استان اصفهان، مدیر عامل شرکت و نیز اعضای این شورا برگزار شد. عکس: ایمناف



در اختتامیه جشنواره تئاتر معلولین در تالار ۲۲ بهمن اصفهان چه گذشت؟

حضور معلولین باعث خوشبختی تئاتر می شود

علی رفیعی وردنجانی
گروه اصفهان

اگر قرار است معلولین جامعه من تنها در جشنواره های این چنینی روی صحنه بروند و کمی خودنمایی کنند پس این پرسه اجباری در همین جای کار ناتمام بماند بهتر است. این نکته بسیار مهمی است که معلولین توانایی اجرای تئاترهای چندبعدی را نیز دارند. پس از آن جهت به جای ترحم بر این عزیزان باید این دسته از افراد را بیش از انسان های دیگر، به ظاهر سالم در جامعه جدی گرفت. از حرف های قشنگ و شعاری موجود در افتتاحیه و اختتامیه چهارمین جشنواره تئاتر معلولین که بگذریم می رسم به دستاوردهای برگزاری چنین جشنواره هایی. این جشنواره به دلیل آن که نام بین المللی را به دوش می کشد در جایگاه خود بسیار دهن پرکن و خانمان سوز است و در درجه بعدی متأسفانه باید بگویم تئاتر به خوبی خود به معلولین در جامعه نمی تواند یاری رساند و باید تئاتر معلولین دارای کرسی های هم اندیشی باشد تا نتیجه خروجی آن در یک مقیاس رسانه ای ساخته شود. در مراسم اختتامیه این جشنواره از سه بخش کودک و نوجوان، خیابانی و صحنه ای تقدیر شد؛ اما باید دید این سه بخش تا چه اندازه باقی اجرایی در شهر اصفهان

بیبانه بخش کودک جشنواره نیز توسط حسن دولت آبادی به نمایندگی از هیئت داوران خوانده شد. در این بیبانه تأکید شد، معلولیت به جای ترحم به برنامه ریزی نیازمند است. از لحن این بیبانه می توان به آینده درخشان برای تئاتر معلولین در شهرمان خوش بین بود. باید به این نکته اشاره کنم که بخش اعظم نگارش نمایشنامه ها با توجه به رشد تفکر اجتماعی در میان نویسندگان متخصص به معلولیت و افسراد معلول در جامعه شده است که این نکته برای نسل فردا و خورشید همیشه تابان آن نشانه خوش یمنی است.

خواهان توسعه ارتباطات هنرمندان کشور با جهان بیرون فشد تا به دانش و تجربه بیشتری برسند و اثری با کیفیت بالا تولید کنند. صادقی در ادامه افزود: جشنواره معلولین نه تجاری است و نه تجری و در آن باید از مسائلی سخن گفت که برای معلولان بحران باشد و این آثار به حل بحران های معلولین کمک خواهد کرد. در آثار مختص معلولین نیاز به طنز است و در این حوزه آثار نامیدانه جایگاهی در صحنه خواهند داشت. وی افزود: با واقعیت های زمخت کار به جایی نخواهد رسید و نیاز است با تغزل و تخیل اثری هنری روی صحنه برد.

کر: برگزاری این جشنواره در اصفهان دلیلی بر توانمند بودن معلولان این شهر است. **برنامه ریزی به جای ترحم و ظاهر سازی**

دکتر نوپرست، مدیر کل معاونت توان بخشی سازمان بهزیستی جشنواره تئاتر معلولین را بستری برای هنر متعالی ایرانی و اسلامی بر شمرد و گفت: جشنواره مسیری برای رونق بخشیدن به تئاتر معلولین است. وی افزایش گروه های خارجی، توسعه فضای آموزشی، برگزاری بخش نمایشنامه نویسی و مشارکت دستگاه های کشوری و استان را از دستاوردهای چهارمین جشنواره تئاتر معلولین دانست. همچنین زرگر پور، استاندار اصفهان نیز در این مراسم گفت: باید مطالبه معلولان در این فرصت های برابر برای درک لذت های زندگی باشد. وی ادامه داد: باید تلاش کنیم تا قدرت معلولان در حوزه های گوناگون مانند: ازدواج و شغل و موقعیت های اجتماعی و عرصه های فرهنگی و هنری افزایش یابد. وی اشاره

گپ
با حمید بهشتی به پنهان ساخت سری سوم مستند «مظلوم لاله ها»
در فرهنگ سازی یک فاجعه تنها سالگرد دنگیریم
حافظ رفیعی
گروه اصفهان

سید حمید بهشتی، سازنده مستند ۲۵ دقیقه ای مظلوم لاله ها درباره چگونگی روند ساخت و ایده پردازی این پروژه می گوید: ایده اولیه مستند «مظلوم لاله ها» از یک تحقیق ۵۰ صفحه ای بود که پس از مطالعه این مقاله توسط پسر شهید بهشتی بنا به خواسته ایشان تصمیم به ساخت آن گرفته شد. از سال ۸۷ تا به حال هر چه در تحقیق و بررسی بیشتر پیش می روم مظلومیت شهید بهشتی بیشتر می شود و این در حالی است که کشور ما تنها در سالگرد شهادت دکتر بهشتی، که هفتم تیرماه است، از جملات و عکس های ایشان در رسانه ملی و دیگر رسانه ها استفاده می کند. واقعاً جای تأسفد دارد که کشور ما دارای چنین میراث بارز از نظر درک دینی و اجتماعی باشد، اما در رسانه ها و دیگر عرصه های فرهنگی جای خالی آن عمیقاً احساس شود. فصل اول این مستند ۲۵ دقیقه ای که با هزینه شخصی ساخته شد از شبکه استانی اصفهان روی آنتن رفت. فصل دوم نیز از دیگر شبکه های ملی پخش شد؛ اما متأسفانه ساخت سری سوم این مجموعه مستند با کوتاهی مسئولین درباره اختصاص بودجه و همکاری در زمینه های مختلف باعث شد تا پروژه ساخت این مستند که بین ۱۰۰ تا ۱۵۰ دقیقه است، کند شود؛ زیرا بودجه ای که برای سری جدید آن در نظر گرفته شده حدود ده میلیون تومان است که در مقایسه با بودجه های سینمایی قابل بیان نیست.

شخصیتی ماندگار
وی در ادامه گفت: شهید بهشتی انسانی مستقل بود که می توانست به چهار زبان دنیا صحبت کند و در زندگی به نظم و طرز برخورد با دیگران اهمیت ویژه ای داد. او هیچ وقت به توهین های مخالفان جواب نمی داد و تنها حرف امام را قبول داشت. اصلی ترین دشمن شهید بهشتی در طول دوران ۵۳ ساله زندگی او، بنی صدر بود که حتی وقتی باهم صحبت می کردند بنی صدر سر به زیر می شد و به دکتر بهشتی احترام می گذاشت. جای این پدیده یعنی تحمل و احترام گذاشتن به مخالف در جامعه امروز به شدت دیده می شود. با شهادت دکتر بهشتی در هفتم تیرماه ۱۳۶۰ رسالت وی تغییر کرد؛ چرا که وی همراه با مخالفین خود به شهادت رسید.

توسعه فرهنگ اطلاع رسانی
حمید بهشتی درباره بزرگترین دغدغه اش برای ساخت این مستند گفت: در فرهنگ سازی یک فاجعه تنها به برگزاری مراسم سالگرد اکتفا نکنیم؛ بلکه باید از تمام الگوهای رسانه ای و فرهنگی مددجوی کنیم تا بتوانیم آنچه را که حق است به زبان آوریم. خواهشی که می توانم به عنوان مستندساز از مسئولین داشته باشم این است که از نیروهای چون من استفاده بهینه به عمل آورند و تنها به پخش چند کلیپ و مقاله از دکتر بهشتی آن هم در سالروز شهادت بسنده نکنند. وجود چنین نیروهایی در کشور علاوه بر ایجاد تعامل میان نسل گذشته و نسل آینده می تواند پل ارتباطی خوب و تأثیر گذاری از نظر فرهنگی بر جامعه باشد؛ زیرا تصویر و مستند علاوه بر ایجاد تفکر در میان مخاطبان، آنان را به سوسی تحقیق و مطالعه هدایت می کند. در حقیقت بهشتی های فراوانی کشور ما حضور دارند که همچنان گمنام مانده اند. هیچ کس از جانباختن آن ها واقعه هفت تیر همراه دکتر بهشتی بودند خبری ندارند و آن ها همچنان در سکوت زندگی خود را ادامه می دهند. من فکر می کنم اگر مسئولین اولویت خود را برای حمایت از نسل جوان و فرهنگ سازی از طریق الگوهای رسانه ای قرار دهند حتماً در این امر به پیروزی خواهند رسید؛ چرا که جوانان ایرانی درک بالایی دارند و می توانند با ساخت آثار سینمایی و مستند برای احمد متوسلیان و... زمینه ساز ارتباط مفید و همفکری نسل امروز و نسل فردا باشند.